

## Phonological / Phonetic System of Tati Shal Dialect

Sahar Sadri<sup>1</sup>

### Abstract

Tat(Tati) is one of the Iranian languages of the northwestern branch and a survivor of one of the Mād varieties. The Tati language has different varieties, and in this research, the Tati Shal variety has been investigated. In this research, it was tried to answer the following two questions. First, which feature of the phonetic system of the Tati Shal dialect is more acceptable and reflective of the reality that is going on in the minds of Tati Shal dialect speakers, and secondly, how are nouns, adjectives, and verbs identified themselves in the Tati Shal dialect. The research method is descriptive- analytical, and the data were collected in a library and field method. The purpose of this research is to investigate the changes of sounds and also how to use nouns, adjectives, and verbs in the conversations of Tati shal language. After analyzing the data, it is clear that it changes the acceptable and reflective features of the phonetic system. It is phonetic, different and significant, including replacement, displacement, insertion, modification of vowels and consonants, removal of the final consonant, vowel harmony, and in response to the second question, insert names. The ending [ʔah], adjectives with the ending [a] and verbs with the ending [e] show themselves.

**Keywords:** phonetic system, phonological system, Tati Shal dialect

---

<sup>1</sup> Ph.D. candidate in linguistics, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. sahar.sadri59@gmail.com

## نظام آوایی / واجی گویش تاتی شال

سحر صدری<sup>۱</sup>

### چکیده

تات از زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی و بازمانده یکی از گونه‌های ماد است. زبان تاتی دارای گونه‌های مختلفی است که در این پژوهش گونه تاتی شال بررسی شده است. در این تحقیق سعی شده به دو پرسش ذیل پاسخ داده شود. نخست این که در نظام آوایی گویش تاتی شال کدام ویژگی نظام آوایی، پذیرفتنی‌تر و بازتاب دهنده واقعیتی است که در ذهن گویشوران گویش تاتی شال در جریان است و دوم این که اسم، صفت و فعل در گویش تاتی شال به چه نحوی خود را نشان می‌دهند. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شده‌اند. هدف از این پژوهش، بررسی تغییرات آواها و نیز نحوه به کار بردن اسم، صفت و فعل در گفتگوهای سخنگویان تاتی شال زبان است. پس از تحلیل داده‌ها مشخص شد که ویژگی‌های پذیرفتنی و بازتاب دهنده نظام آوایی تغییرات واجی، گوناگون و قابل توجه از جمله جایگزینی، جابجایی، درج، ابدال مصوت‌ها و صامت‌ها، حذف همخوان پایانی، هماهنگی واکه است و در پاسخ به پرسش دوم اسم‌ها با درج پایانی [ʔah]، صفت‌ها با درج پایانی [a] و فعل‌ها با درج پایانی [e] خود را نشان می‌دهند.

### کلیدواژه‌ها: نظام آوایی، نظام واجی، گویش تاتی شال

### ۱- مقدمه

از نظر اجتماعی، زبان‌ها و گونه‌های زبانی قومی، به صورت شبکه‌های پیچیده‌ای عمل می‌کنند و هر یک از این گونه‌ها در زندگی ما کارکرد خاصی دارند. هر زبان و گویش آینه تمام نمای جهان بینی و فرهنگ بسیار پیچیده‌ای است و نشان دهنده این است که اقوام چگونه به جهان نگریسته‌اند و مسائل جهان را چگونه تلقی می‌کنند. موضوع حفظ زبان‌ها و گویش‌ها به عنوان بخشی از میراث فرهنگی بشر از طرف زبان‌شناسان و همچنین یونسکو مسئله‌ای جدی تلقی شده است. یزدانی و کاظمی (۲۰۱۹) معتقدند از آنجا که گویش‌ها بیانگر فرهنگ، آداب و رسوم یک منطقه و شاید تاریخ فراموش شده آن منطقه است، برای مطالعه ضرورت و اهمیت خاص دارند. به مرور زمان و به دلایل مختلف از جمله با حضور رسانه‌های مختلف، بسیاری از این گونه‌های زبانی در معرض فراموشی قرار خواهند گرفت. جمع‌آوری، پردازش و

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

بررسی یا به عبارتی مستندسازی گونه‌های زبانی از نظر زبان‌شناسی، راهکاری برای جلوگیری از نابودی آنها محسوب می‌شود. به اعتقاد یول (۱۳۷۷: ۳۵۷) اصطلاح گویش تفاوت‌های تلفظی، دستوری و واژگانی گونه‌های زبانی و اصطلاح لهجه تفاوت‌های تلفظی آن را نشان می‌دهد. تاتی، به شاخه‌ای از زبان‌های غربی شمالی ایرانی اطلاق می‌شود. این شاخه گویش‌هایی را شامل می‌شود که در منطقه وسیعی گسترده است. از جنوب از رودخانه ارس آغاز می‌شود و تا شمال ساوه امتداد می‌یابد. زبان رایج در این منطقه ترکی است. بزرگ‌ترین جزیره‌های گویشی در منطقه تاجیکستان قزوین که یکی از کهن‌ترین زبان‌های ایرانی است، دیده می‌شوند. گویش‌های این زبان در گذشته از آذربایجان تا شمال خراسان گسترده بود ولی امروزه با زبان‌های ترکی آذربایجانی و فارسی جایگزین شده و تنها در بخش‌هایی از شمال‌باختری ایران گویش‌های تاتی در منطقه به جا مانده‌اند که می‌توان پراکندگی آنها را به جزایری در دریا تشبیه نمود. یارشاطر در کتاب خود با عنوان دستورگویش‌های تاتی جنوبی (۱۹۶۹) تصریح می‌کند که واژه تاتی در این منطقه به ساکنان ایرانی زبان اطلاق می‌شود. مرز زبانی گویش چال زبان تاتی که گویشوران آن را شال نیز تلفظ می‌کنند، بین بوئین زهرا و تاجیکستان واقع شده است، که بیشترین آمار جمعیتی تاتی‌های ایران را شامل می‌شود، یعنی از شمال به قزوین و تاجیکستان محدود است و از جنوب به بوئین زهرا و دانشفهان. گویش‌هایی از تاتی هم اکنون در بخش‌هایی از استان خراسان شمالی مانند سنخواست، راز، و گیفان رواج دارد (دبیرمقدم، ۱۳۹۶). وی گویش‌های تاتی را به پنج گروه تقسیم کرده است.

(۱) گویش‌های رایج در جنوب غرب قزوین و در اشتهارد،

(۲) گویش‌های رایج در خوئین واقع در ۶۰ کیلومتری جنوب غربی زنجان و در تعدادی از روستاهای اطراف

آن

(۳) گویش‌های رایج در خلخال و طارم

(۴) گویش‌های رایج در هرزند و دیزمار

(۵) گویش‌های رایج در شرق و شمال شرق قزوین (در کوهپایه، رودبار و الموت)

از آنجا که زبان تاتی، یک زبان غیر مکتوب است و فرهنگ آن نیز یک فرهنگ شفاهی است، لذا مهم‌ترین و اصلی‌ترین محمل فرهنگی آنها، زبانشان بوده است، که سنت فرهنگی‌شان را در طی سال‌ها و قرون متمادی تا به امروز انتقال داده است.

یارشاطر (۱۹۶۹) در کتاب خود توصیف دستوری نه گویش از زبان تاتی را به دست داده است که خویشاوندی نزدیک با هم دارند و همگی در جنوب غرب و جنوب قزوین واقع‌اند. وی این گروه گویشی را تاتی جنوبی خوانده است. او گروه تاتی شمالی را گروهی از گویش‌ها می‌داند که عمدتاً در گوشه جنوب شرقی آذربایجان ایران به آنها صحبت می‌شود. یارشاطر تصریح می‌کند که این دو گروه گویشی زبان تاتی (شمالی و جنوبی)، شاخه مهمی از زبان‌های ایرانی غربی شمالی را تشکیل می‌دهد. این نه گویش عبارتند

از چالی<sup>۱</sup>، تاکستانی<sup>۲</sup>، اشتهاردی<sup>۳</sup>، خیارجی<sup>۴</sup>، ابراهیم آبادی<sup>۵</sup>، سگزآبادی<sup>۶</sup>، دانسفانی<sup>۷</sup>، اسفرورینی<sup>۸</sup> و خوزنینی<sup>۹</sup>.

در این پژوهش دو سؤال مطرح شده است. نخست اینکه در نظام آوایی گویش تاتی شال کدام ویژگی نظام آوایی، پذیرفتنی‌تر و بازتاب دهنده واقعیتی است که در ذهن گویشوران گویش تاتی شال در جریان است و دوم اینکه اسم، صفت و فعل در گویش تاتی شال به چه نحوی خود را نشان می‌دهد.

## ۲- روش‌شناسی

در این پژوهش به منظور دستیابی به داده‌های مورد نظر در گویش تات، از تعدادی گویشور تات زبان خانم که از کودکی در این روستا بزرگ شدند و گویش اصیل داشتند، استفاده شده است. ابتدا صدای گفتگوی این افراد با یکدیگر ضبط شد و به رشته تحریر درآمد و در نهایت آوانویسی شد. آوانگاری این پژوهش بر اساس جدول الفبای آوانگاری بین‌المللی IPA است. این پژوهش مطالعه توصیفی، تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای و میدانی است.

## ۳- پیشینه پژوهش

### ۳-۱- پژوهش‌های داخلی

طاهری (۱۳۷۰) به ارائه توصیف اجمالی از ساختمان دستوری گویش تاتی تاکستان در منطقه بوئین زهرا پرداخت. ویژگی‌های دستوری این گویش در این بررسی، به سه جزء اصلی نظام آوایی گویش، ساختمان صرفی و نحوی آن طبقه بندی شد. رحمانی (۱۳۸۰) به توصیف ساختمان فعل در گویش تاتی تاکستان پرداخت و پس از توصیف واجی این گویش، دستگاه فعل را بررسی کرد. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که تعداد معدودی از افعال در این گویش بی‌قاعده‌اند و هنگام صرف چندین ستاک دارند؛ این گویش از ساختار ارگتیو نوع ناقص برخوردار است. یحیی زاده (۱۳۸۲) به توصیف و تحلیل سطوح مختلف زبانی گویش تاتی شاهرود خلخال پرداخت. وی ساختمان این گویش را در سطوح مختلف آوایی، ساخت واژی و نحوی تحلیل کرد. صفرزاده (۱۳۸۶) گویش تاتی شمال خراسان را مورد پژوهش قرارداد و به کاربرد آن در شرح و تصحیح متون ادب فارسی پرداخت. صفرزاده در این پژوهش ابتدا ریشه و معنی واژه «تاتی» را

<sup>1</sup> Chali[čali]

<sup>2</sup> Tākestāni[takestani]

<sup>3</sup> Eshtehārdi[eštehardi]

<sup>4</sup> Xiāraji[xiaraǰi]

<sup>5</sup> Ebrāhim-ābādi[ebrahim-abadi]

<sup>6</sup> Sagz-ābādi[sagz-abadi]

<sup>7</sup> Dānesfāni[danesfani]

<sup>8</sup> Esfarvarini[esfarv rini]

<sup>9</sup> Xoxnini[xoxnini]

<sup>۱۰</sup> از سرکار خانم معصومه علیرضایی که در جمع آوری داده‌های این پژوهش و نیز برای تشخیص واژگان تاتی اصیل با واژگانی که از گویش‌های دیگر وارد این گویش شده‌اند به محقق کمک کرده است صمیمانه قدر دانم.

بررسی و سپس برخی تفاوت‌های آوایی در گویش تاتی شمال خراسان با فارسی معیار را ذکر کرد و بعد از آن با آوردن ابیاتی از شاعران پارسی زبان و جملات نثر از سایر متون ادبی، به حفظ واژگانی از گویش تاتی در آثار این بزرگان اشاره داشت و هم زمان به معنی این واژگان نیز پرداخت. سبزی‌پور (۱۳۸۸) سه گویش تاتی خلخال، تالشی و گیلکی را در حوزه زبانی ساخت فعل، بررسی کرد. بدین منظور از هر گویش، سه گونه انتخاب شد. در مرحله اول، گونه‌های یک گویش با هم و در مرحله بعد با دو گویش دیگر و در آخر با زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه مقایسه شد. در این پژوهش مباحثی مانند ریشه، ماده، وندهای فعل، وندهای مصدر، صفت مفعولی، نمود، وجه و ... بررسی شد. اکبرزاده، کنعانی و عبدی (۱۳۸۹) گویش تاتی سنخواست و جاجرم واقع در خراسان شمالی را در آثار عطار بررسی کردند. ایشان با ذکر ابیاتی از عطار، به شرح معنی و تلفظ برخی واژگان تاتی در آثار این شاعر همت گماردند. حسینی زنجانی نژاد (۱۳۸۹) ساخت فعل را در گویش تاتی اشتهاردی بررسی کرد. داده‌ها به روش میدانی به صورت فایل صوتی جمع‌آوری و سپس واج نگاری و تحلیل شد. وی به نتایجی دست یافت مانند نظام فعلی در اشتهاردی بر اساس دو ستاک حال و گذشته بنا شده است؛ در اشتهاردی نظام انطباق زمان بنیاد وجود دارد. نوروز زاده (۱۳۸۹) گویش تاتی روستای رویین واقع در شهرستان اسفراین را بررسی کرد و به کاربرد آن در تصحیح و شرح متون ادب فارسی پرداخت که بسیار شبیه به کار صفرزاده (۱۳۸۶) است.

### ۳-۲- پژوهش‌های خارجی

هنینگ<sup>۱</sup> (۱۹۵۴) در سخنرانی خود در انجمن لغت شناسی لندن در سال ۱۹۵۳ توجه محققان را به گویش این منطقه تاکستان جلب نمود. پس از آن یارشاطر در چند سفر در فاصله سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۳ با بازدید از روستاهای این منطقه از جمله اسفرورین، پیکرهای از اشعار شفاهی، داستان‌ها، قطعات توصیفی و یادداشت‌های زبان‌شناختی اسفرورینی گردآورد. نخستین توصیف از ویژگی‌های اسفرورینی از سوی یارشاطر (۱۹۶۹) ارائه شده است. او در آثار دیگر خود توصیف ویژگی‌های جنس دستوری اسفرورینی و توصیف ویژگی‌های این زبان در کتاب گویش‌های تاتی جنوبی به دست داد که شامل بررسی ویژگی‌های واجی، صرفی و نحوی این گویش است. مارکوارت (۱۳۷۳: ۱۲-۸) ایران‌شناس آلمانی در کتاب «ایران شهر»، زبان پهلوی اشکانی را با زبان قدیم آذربایجان مرتبط دانسته است و معتقد است زبان باستانی آذربایجان باقی مانده و تحول یافته زبان مادی و دارای ریشه آریایی است که مورخین، سیاحان و جغرافی‌-نویسان اسلامی و عرب آن را فارسی، اذربی و آذری نامیده‌اند (کارنگ، ۱۳۳۳: ۱۲-۸؛ مرتضوی، ۱۳۴۲: ۳۱). مک دیوید (۱۹۴۸) و فیشر (۱۹۵۸) به بررسی گویش‌شناسی پرداختند و با وارد کردن عوامل غیر زبانی در مطالعات خود، توصیف علمی تر و دقیق‌تری از تنوعات موجود در زبان یک منطقه به دست دادند. هاوکینز (۲۰۰۱)<sup>۲</sup>، معتقد است محدودیت‌های پردازشی مانند «میزان کوشش برای انتقال پیام» در تغییر و دگرگونی زبان نقش دارند. گوینده سعی دارد کمترین کوشش را در انتقال پیام خود به کار گیرد. بنابراین ساخت‌های

<sup>1</sup> Henning, W. B

<sup>2</sup> Marquart

<sup>3</sup> Howkins, J. A

زبانی که از پیچیدگی کمتری برخوردارند و برای بافت موقعیت مناسب‌تر هستند، بر ساخت‌های پیچیده‌تر ترجیح داده می‌شوند. براساس این رویکرد، زبان به وسیله فرایندهای عمومی یادگیری یعنی فرایندهایی که به وسیله آن سایر مهارت‌ها فراگرفته می‌شود، آموخته می‌شود بدون اینکه سامانه خاصی برای فراگیری زبان وجود داشته باشد. بر این اساس، محدودیت‌های تحمیلی بر زبان، دستور زیربنایی را که کودک فرا می‌گیرد، شکل می‌دهند. تغییر و دگرگونی زبانی زمانی رخ می‌دهد که یک جامعه زبانی، زبان خود را در بهینه‌ترین حالت با محیط سازگار می‌کند. هر فراگیر در یک نسل، تمایل به فراگیری زبانی دارد که بهترین سازگاری و تناسب را با محیط داشته باشد. اگر زبانی که فراگرفته می‌شود با زبان جامعه تفاوت جزئی داشته باشد می‌تواند بر نسل‌های بعدی نیز تاثیر بگذارد و بدین ترتیب دگرگونی زبانی را موجب شود. از دیگر مطالعات گویشی انجام شده می‌توان به یزدانی و کاظمی (۲۰۱۹) و کاظمی (۲۰۲۰) اشاره کرد.

#### ۴- مبانی نظری

##### ۴-۱- واج‌شناسی

واج‌شناسی یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی است که در آن خصوصیات نظام‌های آوایی زبان بررسی می‌شود. در بررسی نظام آوایی یک زبان نه فقط مطالعه خصیصه‌های فیزیکی صداها (یعنی چگونگی تولید و خصیصه‌های صوتی آنها)، بلکه مطالعه خصوصیات دستوری آنها نیز در نحوه عملکرد صداها گفتمار ضروری است. در مطالعه واج‌شناسی، مجموعه صداها یک زبان مورد نظر قرار می‌گیرد. به گفته ساپیر (۱۹۲۵: ۱۸-۱۶) دو زبان ممکن است دارای مجموعه صدای یکسانی باشند ولی نظام واجی آنها تفاوت بسیار داشته باشد. بنابر این مطالعه واجی به نقش ساختاری صداها در یک زبان می‌پردازد. اغلب زبان‌ها، صداها یا زنجیره‌های صدای خاصی را از صورت‌های زبانی برای بیان (احساسات، شدت، اصوات، و جز آن)، به کار می‌گیرند (ثمره، ۱۳۶۴). در واقع بررسی پدیده‌های اصلی برای دسته بندی واج‌ها، تعیین واحدهای واجی و اصول سازمان دهی آنها، میزان لازم انتزاعی کردن و مطلوب سازی واج‌ها و ساخت واجی واژه‌ها و تعیین مرز میان حقایق واجی، واژه‌شناسی، نحوی و معنایی و طرح کلی نظریه واجی، مسائل اصلی واج‌شناسی را مشخص می‌سازد (مشکوه الدینی، ۱۳۷۴).

##### ۴-۱-۱- قواعد واجی

قواعد واجی قواعدی هستند که بر اساس آن تکواژها یا واژه‌ها ساخته می‌شوند. به بیان ساده‌تر، واج‌های صامت و مصوت هر هجا تنها به چند شیوه محدود می‌توانند در کنار یکدیگر قرار گیرند، زیرا گویشوران تنها به این شیوه‌ها واج‌ها را در کنار یکدیگر تلفظ می‌کنند. این قواعد که موجب کنار هم قرار گرفتن واج‌ها تنها در حالت‌های خاص می‌شود در گویش‌های مختلف با هم فرق دارد.

##### ۴-۱-۲- تغییرات واجی

تغییرات واجی قواعد مختلفی هستند که ممکن است در یک بافت (واژه، تکواژ و یا هجا) اتفاق بیفتد. یک قاعده بعد از قاعده دیگر یا دو قاعده متفاوت اتفاق می‌افتد و باعث تغییر می‌شود. هر نوع اتفاقی که از ذهن می‌گذرد تا به مرحله تولید برسد نیازمند صرف انرژی است و نیاز به ساده سازی دارد. این تغییرات توسط

قواعد واجی صورت می‌گیرد که حد فاصل بین اطلاعات زیرساخت (انتزاعی) که در ذهن است و روساخت (ملموس و عینی) که به تولید رسیده است. در ادامه انواع تغییرات حذف، درج، قلب، جایگزینی، هماهنگی واکه‌ای و ابدال مصوت‌ها به اختصار ارائه خواهد شد.

۴-۱-۲-۱- ابدال مصوت: ابدال مصوت فرایند همگونی یک واحد واجی به واحد واجی دیگر، در یک یا چند مشخصه است. نوعی ساده سازی حرکات عضلانی است که برای تولید یک واژه یا عبارت ضروری است، که در تمام زبان‌های دنیا پدیده‌ای رایج است و انواع مختلف دارد. در این پژوهش بیشتر از همگونی واکه با واکه که در واقع هماهنگی واکه‌ای هم جزء آن است و به ندرت از همگونی همخوان با همخوان استفاده شده است.

همخوان با همخوان [našo]- [mašo] / [miše]-[mibe]

واکه با واکه [češm] - [čašm]

۴-۱-۲-۲- هماهنگی واکه‌ای: وقتی واکه‌ای در یک کلمه، در بعضی مشخصه‌های واجی با واکه دیگر همگون شوند یعنی شبیه هم شوند، در این صورت هماهنگی واکه‌ای به وجود آمده است. مانند:

[šostam] - [šoftom]

۴-۱-۲-۳- حذف: فرایند حذف با درج در تقابل است. در گفتار پیوسته معمولاً خوشه‌های همخوانی با حذف یک همخوان ساده می‌شوند و تعداد هجاهای کلمات چند هجایی، با حذف یک واکه کاسته می‌شود. ممکن است یک عنصر واجی از جایگاه آغازی، میانی و یا پایانی کلمه حذف شود. در داده‌های زیر حذف همخوان و واکه اتفاق افتاده است.

[zud] - [zuø]

۴-۱-۲-۴- درج: فرایند درج مفهوم کلی است که در آن یک عنصر ساختاری جدید در یک زنجیره اضافه می‌شود. اما در واج‌شناسی یک عنصر واجی در یک واژه درج می‌شود. در این فرایند، اگر به صورت تکواژ میانجی فرایند درج صورت گیرد، یک همخوان بین دو واکه درج می‌شود تا مانع «التقای واکه‌ها» شود، یا یک واکه بین دو همخوان درج می‌شود تا خوشه همخوانی شکسته شود. این فرایند در بسیاری از زبان‌ها اتفاق می‌افتد. برخی اوقات درج در ابتدا و برخی اوقات هم در انتها قرار می‌گیرد. مانند:

[mard] - [mard+ak]

۴-۱-۲-۵- جایگزینی: وقتی واکه‌ای جایگزین واکه دیگر شود و یا همخوانی جایگزین همخوان دیگر شود فرایند جایگزینی روی داده است.

[xorus] - [xoruz] جایگزینی همخوان سایشی بی‌واک به جای همخوان سایشی واکدار.

۴-۱-۲-۶- قلب: فرایند قلب در واقع همان جابجایی است که می‌تواند در یک واژه یا در دو واژه اتفاق

بیفتد. مانند

[šotor] - [ʔoštör]

#### ۲-۴- زبان تاتی

فرهنگ و تمدن ایرانی حاصل حضور حوزه‌های فرهنگی و قومی مختلفی است که در طی تاریخ، تحولات متعددی را پشت سر گذاشته است. حضور اقوام و حوزه‌های فرهنگی خرد و کلان در مناطق مختلف مهمترین ویژگی میراث تاریخی ایران زمین است. در این میان برخی از حوزه‌های فرهنگی و قومی، متأسفانه چندان شناخته شده نیستند. یکی از اقوام کمتر شناخته شده در جامعه ایرانی که ریشه در دوران مادها داشته و به تعبیری بازمانده زنده آن دوران است، فرهنگ و قومیت «تاتی»ها است. این فرهنگ در مجموعه‌ای از اجتماعات پراکنده تا امروز تداوم یافته است. این اجتماعات تا نیم قرن پیش عموماً به صورت روستاهای پراکنده بودند و از آن زمان به این سو در برخی مناطق به واسطه رشد جمعیتی، شهرهای تات‌نشین را شکل داده‌اند. مهمترین حوزه تمرکز تات‌های ایران، در دشت قزوین است، اما گستره آنها در ایالات باستانی فله (یعنی حوزه ماد شرقی) شروع شده و تا شمال شرقی ایران در مناطقی پراکنده و مجزا ادامه یافته است. به همین سبب امروزه علاوه بر مناطق تات‌نشین در دشت قزوین، در شمال خراسان، در اطراف بجنورد نیز روستاهای متعدد تات‌نشین وجود دارد. دونالد ال. استیلو (۱۹۸۱: ۱۳۸-۱۴۱) زبان‌های تاتی و تالشی را در یک گروه قرار داده است و آن را گروه زبانی تاتی-تالشی (Tatic) نامیده است. وی گویش و لهجه‌های گروه زبانی تاتی را بر اساس معیارهای زبانی و قومی و نزدیکی جغرافیایی در ۱۰ گروه جای داده است.

#### ۱-۲-۴- تاتی شال

(چال) تاتی شال، شهری است در بخش شال شهرستان بوئین‌زهرا استان قزوین ایران در بستر رودخانه خروود واقع شده که این رودخانه اسفرورین و شال را از هم منفک می‌کند. اما جریان اصلی این رودخانه در قسمت اراضی شمالی شال پخش می‌گردد. این رودخانه در سال‌های گذشته از اوایل پاییز و تا اوایل تابستان جریان داشته اما کمی بیشتر از یک دهه پیش به علت خشکسالی‌های دائم و احداث سد در بالادست کاملاً خشک و بی آب شده است. شال با ۱۴۵۰۰ نفر، شهری کهن است. مردم شال به زبان تاتی صحبت می‌کنند. این شهر به سه محله اصلی تقسیم شده است: ۱- محله داغ ۲- محله اولیا (گلیکیه) ۳- محله سفلی (جرین محله) و محله‌های حصار، رزگیرا، ۱۶متری، چمبک، موسیب، هاشم قلعه و... از دیگر محلات این شهر محسوب می‌شوند. صنعت این شهر به حدود ۲۰۰ واحد کوره آجرپزی هوفمن و سفال‌طوری اختصاص دارد که این شهر را به قطب تولید آجر استان‌های قزوین، زنجان، همدان، گیلان و بخش‌هایی از البرز، تهران و مازنداران تبدیل شده کرده است. انگور رهاورد این شهر است و به علت آب و هوای مناسب یکی از شیرین‌ترین انگورهای دنیا در شهر شال به بار می‌نشیند و کشمش شال نیز از بالاترین درصد شهد در سطح کشور برخوردار است. گوسفند و قوچ نژاد شال بهترین نژاد سنگین وزن دنیا است. در این پژوهش ویژگی‌های پذیرفتنی و بازتاب دهنده آوایی و ویژگی‌های گونه‌های متفاوت تلفظ آنها که به چه صورت در گفتار بیان شده است از گویش تاتی شال به کارگرفته شده است.

<sup>1</sup> Stilo, D. L



## ۵- تحلیل داده‌های پژوهش

این پژوهش همانگونه که در بخش پیش هم شرح آن رفت. یک مطالعه توصیفی، تحلیلی، به روش کتابخانه‌ای و میدانی محسوب می‌شود که به بررسی آوایی گویشوران تاتی شال می‌پردازد. شایان ذکر است که پیکره منتخب پژوهش، گویشوران تاتی شال هستند. برای این که به روشنی معلوم کنیم تفاوت واج آرابی در گویش تاتی شال چگونه است داده‌ها با داده‌های فارسی معیار در نه جدول ذیل نشان داده شده است.

در جدول ۱- در داده‌های تاتی شال همانطور نشان داده شده است در مقایسه با فارسی معیار هر دو نظام پس‌اضافه‌ای است. تنها تفاوتی که وجود دارد این است که فارسی معیار با اینکه پس‌اضافه است ولی بیشتر پیش‌اضافه‌ای است ولی گویش تاتی در کل پس‌اضافه است. پس اضافه‌ها که به واکه ختم شده‌اند، واکه‌های مشخصه‌های ردیف اول [aku]، سوم [u] و پنجم [ku] مشخصه افراشته، عقب و گردشگی. ردیف دوم [o] و چهارم [rā] مشخصه غیر افراشته ( افتاده)، عقب و گردشگی دارند. گردشگی از افراشته به افتاده از گردی کم می‌شود. در گویش تاتی شال می‌گوییم مریم از، کلید با، تهران از، فروشگاه در، مینا به، شما با ولی در فارسی معیار می‌گوییم از مریم، با کلید، از تهران، در فروشگاه، به مینا، با شما.

مشخصات واکه پایانی پس اضافه تاتی شال	فارسی معیار	پس اضافه + اسم تاتی شال	پس اضافه	ردیف
[u]گرد، پسین و افراشته	از مریم	marjam-aku	aku	۱
[o]گرد، پسین و میانی	با کلید	kely-o tehrān-o	o	۲
[ā]گرد، پسین و افتاده	از تهران	furušgāh-u	u	۳
	در فروشگاه	minā-rā	rā	۴
	به مینا	šomā-ku	ku	۵

### جدول ۱- نشان دهنده کاربرد پس اضافه در گویش تاتی شال

در جدول ۲- تغییرات آوایی رخ داده شده در گویش تاتی شال در مقایسه با فارسی معیار از جمله ابدال، هماهنگی واکه، حذف، درج نشان داده شده است که در گویش تاتی شال نسبت به فارسی معیار چه تغییراتی باعث تفاوت این گویش است. در این جدول به آن تغییرات اشاره شده و تنها به برخی از مثال‌های جدول در زیر جزئی‌تر شرح داده شده است و نیز مشخصات واکه‌های به کار رفته در جدول اشاره شده است.

تغییرات واجی	معادل فارسی	گویش تاتی شال	ردیف
ابدال مصوت میانی پیشین به مصوت افتاده کشیده پسین	hey	hā:y	۱
ابدال مصوت افراشته پیشین به مصوت میانی پیشین	?in	?em	۲
ابدال مصوت‌های افتاده پیشین به میانه پیشین و مصوت	nadāram	nedirem	۳

های افتاده پسین به افراشته پیشین			
ابدال مصوت پسین افتاده به مصوت پیشین افتاده	bāš	baš	۴
ابدال مصوت میانی پیشین به مصوت افتاده پیشین	hamejur	hamajur	۵
ابدال مصوت افراشته پیشین به مصوت میانی پیشین و مصوت افتاده پیشین به مصوت میانی	begiram	begerem	۶
ابدال مصوت میانی پیشین به مصوت افتاده پیشین درواکه پایانی	hamiše	hamiša	۷
همخوان پایانی بعد واکه حذف شده و واکه میانی تبدیل به افراشته شده	zehnet	zehni	۸
ابدال مصوت های افتاده پیشین به مصوت های میانی و مصوت افتاده پیشین به افراشته پیشین	nadāram	nedirem	۹
ابدال [o] به [une]	mitune	mito	۱۰
[ak] درج	mard	mardak	۱۱
ابدال مصوت افراشته پیشین به مصوت میانی پسین	bexandim	bexandom	۱۲
[s] به جای [z] جایگزینی همخوان پایانی سایشی	xorus	xoruz	۱۳
ابدال مصوت افراشته پیشین به مصوت میانی پیشین. ابدال [n] به [m] برای سهولت	?inke tā	tā ?emke	۱۴
n [n] جابه جا شده با [m] فرایند جابه جایی، قلب. ابدال مصوت افراشته پیشین به مصوت میانی]	nemitunim	menetone m	۱۵
حذف همخوان های پایانی اتفاق افتاده	nist	ni	۱۶
حذف همخوان لثوی دندانی	zud	zu	۱۷
ابدال مصوت افراشته پیشین به مصوت افتاده پیشین، ابدال [n] به [m]	?in jā	jā ?am	۱۸
ابدال [une] به [ā]	?une jā	jā ?ā	۱۹
ابدال سایشی به انسدادی دولبی	miše	mibe	۲۰
ابدال واکه پایانی [e] به [o]	gozāšte	gozāšto	۲۱
ابدال مصوت میانی پیشین به مصوت افتاده پیشین	češm	čašm	۲۲
ابدال مصوت افتاده پسین به مصوت افتاده پیشین و میانی پیشین به مصوت افتاده پیشین	ǰāde	ǰada	۲۳
ابدال خیشومی دندانی لثوی به دولبی	našo	mašo	۲۴
ابدال مصوت میانی پیشین به مصوت افتاده پیشین	?eštehā	?eštahā	۲۵
حذف همخوان انسدادی دولبی ابدال مصوت افتاده پیشین به جای مصوت میانی پسین	sabzi	sozi	۲۶
حذف همخوان و واکه افتاده	roqan	ron	۲۷
حذف همخوان سایشی ملازی ابدال مصوت میانی پیشین به مصوت پایانی پیشین	toxmeħ	tomah	۲۸
حذف همخوان پایانی برای سهولت چون دوهمخوان کنار هم	māst	mās	۲۹

هستن			
حذف همخوان [g]	xarguš	xaruš	۳۰
حذف همخوان انسدادی دولبی وابدال مصوت افتاده پیشین به مصوت میانی پسین	ʔabr	ʔor	۳۱
قلب	šotor	ʔoštōr	۳۲
درج واکه پایانی	bāʔes	bāʔesā	۳۳
درج آغازین	mā	ʔamā	۳۴
هماهنگی واکه، ابدال همخوان سایشی لثوی به سایشی لبی دندانی	šostam	šoŋtom	۳۵
ابدال مصوت افراشته پیشین به مصوت میانی پسین وابدال مصوت افتاده پیشین به مصوت میانی پسین	migam	mogom	۳۶
هماهنگی واکه	naxor	noxor	۳۷
حذف همخوان انسدادی دولبی، هماهنگی واکه و ابدال همخوان انسدادی دندانی به لثوی	bāšad	ʔašan	۳۸

### جدول ۲- نشان دهنده تغییرات واجی درگویش تاتی شال در مقایسه با فارسی معیار

در جدول ۳- مشخصات واکه‌های پایانی واژه‌هایی که در جدول ۲- به واکه ختم شده‌اند شرح داده شده است.

مثال ۱- مصوت میانی در گویش تاتی شال به شکل مصوت افتاده کشیده تلفظ می‌شود.

مثال ۷- درگویش تاتی شال برخی واژه‌ها که به مصوت میانی پیشین ختم می‌شود مصوت افتاده پیشین تلفظ می‌شود.

مثال ۸- واژه [ zehnet ] شده [ zehni ] به خاطر این که /t/ انسدادی است با حذفش باعث شده واکه میانی به افراشته تبدیل شود.

مثال ۱۰- [ une ] به [ o ] تبدیل شده درگویش تاتی شال و مثال ۱۹- هم به [ ā ] تبدیل شده است.

مثال ۱۳- واژه [ xorus ] در فارسی معیار [ s ] تبدیل به [ z ] شده است به دلیل اینکه قبل [ s ] واکه داریم و جفت صدا دار [ s ] می‌شود [ z ]. در برخی مثال‌ها با حذف همخوان واکه هم تغییر می‌کند و این به دلیل آن همخوان است.

مثال ۱۵- واج [ n ] و [ m ] جا به جا شدند که در این گویش جا به جایی وجود دارد ولی در فارسی معیار زمانی که در گفتار خطا رخ می‌دهد یک یا دو واج جا به جا می‌شوند.

مثال ۱۶- واژه [ nist ] در گویش تاتی شال دو همخوان [ s ] و [ t ] بعد واکه حذف شده‌اند.

مثال ۱۷- در گویش تاتی شال همخوان [ d ] بعد واکه حذف شده است. مثال ۲۹- واژه [ māst ] در گویش تاتی شال [ t ] پایانی (همخوان پایانی)، حذف شده است. مثل گویش فارسی برای سهولت در تلفظ برخی [ t ] را تلفظ نمی‌کنند

مثال ۲۰- واژه [miše] شده [mibe] در گویش تاتی شال به جای [š] از [b] استفاده شده چون [b] دلبلی است و [m] آغازین هم دلبلی است در نتیجه [m] روی همخوان اثر گذاشته آن را مثل خودش به صورت همخوان دلبلی کرده است.

مثال ۲۶- با حذف [b] در واژه [sabzi] تغییر واکه روی داده است. ابتدا حذف صورت می گیرد تا مرحله بعدی تغییر واکه انجام شود.

مثال ۳۰- واژه [xarguš] در واقع [g] مثل واج میانجی چون [r] هم سیلابیک است و مشخصه واکه‌ای دارد ولی در گویش تاتی شال از واج میانجی استفاده نشده است.

مثال ۳۱- واژه [ʔabr] در فارسی معیار همخوان انسدادی [b] حذف شده و با حذف روی واکه اثر گذاشته و باعث تغییر واکه افتاده به میانی شده است. در برخی مثال‌ها همخوان پایانی حذف شده بیشتر برای سهولت به کار رفته است.

مثال ۳۲- فرایند قلب هم در فارسی معیار هم در گویش تاتی شال وجود دارد که در این مثال در گویش تاتی شال اتفاق افتاده است.

مثال ۳۳- در گویش تاتی شال فرایند درج بسیار روی می دهد. در این مثال درج پایانی ولی در مثال ۳۴- درج آغازین اتفاق افتاده است.

مثال ۳۵- [s] به [f] تبدیل شده در گویش تاتی شال به دلیل اینکه وقتی واکه [o] تلفظ می شود لبها گرد می شود و [f] هم لبی دندان‌ی است به خاطر همین برای گویشوران استفاده از [f] راحت تر از [s] است.

مثال ۳۷- هماهنگی واکه‌ای در گویش تاتی شال برای سهولت در تلفظ استفاده شده است.

مثال ۳۸- [b] تاثیر گذاشته با حذف [b] واکه بعد تغییر کرده در گویش تاتی شال و به جای [d] از [n] استفاده کرده است بخاطر اینکه [š] پس لثویه و [n] هم لثوی راحت تر تلفظ می شده تا اینکه بعد [š] تلفظ دندان‌ی [d] داشته باشد.

ردیف	واکه های تاتی شال	مشخصات واکه پایانی پس اضافه تاتی شال
۱	i	افراشته، پیشین، غیر گرد و بسته
۲	e	میانی، پیشین، غیر گرد و نیم بسته
۳	a	افتاده، پیشین، غیر گرد و باز
۴	o	میانی، پسین، گرد نیم بسته
۵	u	افراشته، پسین، گرد و بسته
۶	ā	افتاده، پسین، گرد و باز

جدول ۳- نشان دهنده مختصات واکه‌های گویش تاتی شال

در جدول ۴- مشخصه [e] غیر گرد است، میانی و پیشین است. /r/, /n/, /d/ افعال مختوم به [e] واج

ما قبل آنها است.

۱	pāk+jard+e	pāk+kard+i	k→j	i→e
۲	ghat+jard+e	ghat?+kard+i	k→j	i→e
۳	az+das+e+mon+de	az+das(t)+dād+im	t→∅	im→e
۴	ne+de	nadādi	i→e	
۵	mi+ku+ne	mi+ku+be	b→n	
۶	me+ne+to?u+ne	na+tu+nes+ti	m→n	i→e
۷	ā+mi+ja+re	bāz+mi+še	k→j	[karde] همان مفهوم [jare] است
۸	de+ghat+ja+re	de+ghat+kon	k→j	
۹	kār+di+re	kār+dā+re	ā→i	
۱۰	pā+ne+de+?ire	pā+na+dā+re	a/ā→e	[∅re]→ [?ire] درج
۱۱	mim+be+re	mi+mi+re	درج b	
۱۲	hā?āl+mi+ja+re	hāl+mi+ko+ne	k→j	

در مثال ۲، ۴، ۶، نشان داده شده است که واکه پایانی گویش تاتی شال به واکه [e] ختم شده ولی در فارسی معیار به [i] ختم شده است.

مثال ۳ در گویش تاتی شالی همخوان [t] حذف شده ولی در فارسی معیار نیز در تلفظ وقتی از مرحله زیرساخت ذهن به مرحله روساخت تولید شود، واج [t] را اکثر گویشوران برای سهولت حذف می کنند ولی در نظام نوشتاری فارسی معیار [t] وجود دارد.

مثال ۵ در گویش تاتی شال از [n] استفاده شده ولی در فارسی معیار از [b]. بیشتر به خاطر این که واژه با [m] شروع شده برای گویشور استفاده از /n/ به جای /b/ راحت تر است.

مثال ۷ و ۸ از [j] استفاده شده چون [j] بیشتر به جای [k] تلفظ می شود.  
مثال ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ به [e] ختم شده اند.

مشخصات واکه مختوم به [e]	معادل فارسی	فعل تاتی شال	ردیف
واکه میانی، غیر گرد، پیشین و نیم بسته : [e]	pāk kardi	pāk jarde	۱
	ghat? kardi	ghat jarde	۲
	az dast dādim	az dasemunde	۳
	nadādi	nede	۴
	mi kube	mi kune	۵
	natunesti	meneto?une	۶
	bāz miše	āmijare	۷
	deghat kon	deghat jare	۸
	kār dare	kar dire	۹
	pā nadāre	pa nede?ire	۱۰
	mi mire	mi mbere	۱۱
	hāl mikone	hā?ālmijāre	۱۲

جدول ۴- نشان دهنده افعال مختوم به [e] در گویش تاتی شال

جدول ۵- واژه‌های مختوم به [ʔah] را در گویش تاتی شال نشان داده است. در مثال‌های جدول ۵ اسم‌هایی به [ʔah] ختم می‌شوند که قبل آن واج‌های /r/, /z/, /š/ باشد.

مشخصات درج	معادل فارسی	گویش تاتی شال	ردیف
درج پایانی مختوم به [ʔah]	?anjur	?anjur ?ah	۱
درج پایانی مختوم به [ʔah]	miš	miš ?ah	۲
درج پایانی مختوم به [ʔah]	boz	boz ?ah	۳

جدول ۵- نشان دهنده اسم مختوم به [ʔah]

جدول ۶- فعل‌های به کار رفته که به [i] ختم شده در گویش شال به [āš] تبدیل شده است، در این چهار جمله است. در مثال ۱- ارتباط مثل پرنده است اگر سخت (بگیری). مثال ۲- اگر در مورد چیزی بدون فکر کردن (حرف بزنی)، مثال ۳- اگر فکر کنی و مثال ۴- نخوری.

مشخصات تغییر واکه	معادل فارسی	گویش تاتی شال	ردیف
تبدیل [i] واکه افراشته پیشین به [āš] افعال مختوم به [āš] [i] → [āš]	bejiri	bejer-āš	۱
	bezani	bezan-āš	۲
	koni	jar-āš	۳
	naxori	noxürāš	۴

جدول ۶- نشان دهنده تبدیل واکه افراشته پایانی [i] به [āš] در فعل

جدول ۷- در تلفظ گویش تاتی شال مانند زبان ترکی از واج [ü] استفاده شده است که در این مثال‌ها به کار برده شده است. مختصه واج [ü] املاّت به شکل پیشین، گرد و افراشته است. ولی در فارسی معیار این واکه وجود ندارد.

مشخصات	معادل فارسی	گویش تاتی شال	ردیف
[ü]: افراشته، گرد و پیشین	naxori	noxūrāš	۱
	vāgozār	vajüzāri	۲
	šolgereftan	šülbejerem	۳
	zoghnaḍāre	xüşeke	۴
	ʔindovomi	ʔem dūjamin	۵
	šoroʔkardi	šorüş jardeh	۶

#### جدول ۷- نشان دهنده ویژگی واکه [ü]

در جدول ۸- نشان داده شده است که در تمامی صفات در گویش تاتی شال درج پایانی [a] اتفاق افتاده است. که دارای مشخصه واکه افتاده می باشد.

مشخصات درج واکه افتاده [a]	معادل فارسی	گویش شال	ردیف
افتاده، پیشین و غیر گرد: [a]	zešt	xarāba	۱
	javān	javān-a	۲
	mehraban	mehraban-a	۳
	kočak	jeqel-a	۴
	qašang	qašang-a	۵
	xob	xār-a	۶
	rāst	rāst-a	۷
	zešt	xarāb-a	۸
	boland	pil-a	۹

#### جدول ۸- نشان دهنده صفت های گویش تاتی شال در مقایسه با فارسی معیار

در جدول ۹- در تاتی شال نام انسان‌ها، شامل نام‌های خویشاوندی و نه نام خاص، با افزودن [ɽ] و [ar] حالت غیر فاعلی پیدا می کند (یارشاطر، ۱۹۶۹ا، ص ۸۷ بخش ۱۳۵).

ردیف	اسامی خویشاوندی تاتی شال	فارسی معیار	مختوم به [r] و [ar]	ویژگی واکه [a] و همخوان [r]
۱	zōmā/zōmār	داماد	[r]	/r:/ لرزشی و لثوی
۲	umi/umiar	عمو	[ar]	/a:/ افتاده، پیشین،
۳	dāyi/dāyar	دایی	[ar]	باز و غیر گرد
۴	čupun/čupunar	چوپان	[ar]	

جدول ۹- نشان دهنده حالت غیر فاعلی اسامی خویشاوندی با افزودن [ar] و [r]

### ۶- جمع بندی مطالب

در پژوهش حاضر هدف حفظ هویت فرهنگی و مطالعه تغییرات اجتماعی و تنوع زبانی بود. حاصل چنین پژوهشی بسیاری از قابلیت‌های گویش‌های مرتبط با آن را نشان خواهد داد. برخی از نظام‌های آوایی و تغییرات آن در برخی افعال، اسم‌ها و صفت‌ها بررسی شده است و مشاهده شد که در مقایسه با فارسی معیار هر دو پس اضافه‌ای هستند ولی با اینکه فارسی پس اضافه است بیشتر پیش اضافه دارد. گویش تاتی شال دارای تغییرات آوایی متفاوتی نسبت به فارسی معیار است. در فرایند ابدال، مصوت میانی پیشین به مصوت افتاده پیشین، ابدال خیشومی دندانی لثوی به دولبی، ابدال سایشی به انسدادی دولبی، ابدال مصوت افتاده پسین به مصوت افتاده پیشین و میانی پیشین به مصوت افتاده پیشین دیده شده است. فرایند حذف در همخوان یا واکه اتفاق می‌افتد. واژه [zud] در فارسی معیار و [zu] در گویش شال، در فرایند درج مانند [mard] در فارسی معیار و [mardak] در گویش شال، فرایند قلب [šotor] در فارسی معیار و [poštor] در گویش شال جای [ʔo] و [š] عوض شده است. فرایند جابه جایی مانند [man] در گویش شال با [nam] در فارسی معیار. در جایگزینی همخوان پایانی لثوی [Z] در گویش شال به جای [s] در فارسی معیار، در هماهنگی واکه در شال [o] - [o] یا فارسی معیار [O] - [a]. گویش شال واکه [ü] در برخی واژه‌ها استفاده شده است ولی در فارسی معیار این واکه را نداریم. اسامی خویشاوندی مختوم به [r] و [ar] در گویش شال وجود دارد. در فعل [کرده] به جای [k] از [j] در گویش شال استفاده شده است. درج پایانی و آغازین در گویش شال وجود دارد. حذف واج میانجی در گویش شال ولی در فارسی معیار استفاده می‌شود برای اینکه ساختار هجا مختل نشود. تبدیل [une] به [o] و [ā] و تبدیل [s] به [Z] در گویش شال. همخوان [t] پایانی هم در گویش شال هم در فارسی معیار در گفتار برای سهولت حذف می‌شود ولی در نوشتار فارسی معیار وجود دارد. ابدال مصوت بسیار زیاد در گویش شال وجود دارد. پژوهش حاضر گویش شال در مقایسه با پژوهشگران ایرانی و خارجی در ارتباط با گویش‌های مختلف تات این تفاوت را دارد که در بررسی گویش شال به نظام آوایی و واجی فعل، اسم و صفت و مقایسه با فارسی معیار پرداخته شده است ولی در گویش‌های ایرانی دیگر از جمله گویش تاتی سنخواست و جاجرم به شرح معنی و تلفظ پرداخته شده است. بررسی گویش تاتی اشتهاردی بر اساس دو ستاک حال و گذشته بنا شده



است و نظام انطباق زمان بنیاد وجود دارد، همچنین در پژوهش گویش تاتی تاکستان افعال در این گویش بی قاعده‌اند و هنگام صرف چندین ستاک دارند. این گویش از ساختار ارگتیو نوع ناقص برخوردار است. در بررسی سه گویش تاتی خلخال، تالشی و گیلکی در آخر با زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه مقایسه شد. در این پژوهش مباحثی مانند ریشه، ماده، وندهای فعل، وندهای مصدر، صفت مفعولی، نمود، وجه و ... بررسی شد، در پژوهش گویش تاتی شمال خراسان به کاربرد آن در شرح و تصحیح متون ادب فارسی پرداخته شد. ابتدا ریشه و معنی واژه «تاتی» بررسی و سپس برخی تفاوت‌های آوایی در گویش تاتی شمال خراسان با فارسی معیار ذکر شد. در پژوهش گویش تاتی تاکستان در منطقه بوئین زهرا سه جزء اصلی نظام آوایی گویش، ساختمان صرفی و نحوی آن طبقه بندی شد و همچنین در پژوهش گویش تاتی روستای رویین واقع در شهرستان اسفراین ریشه و معنی بررسی شد. گویش تاتی شاهرود خلخال سطوح مختلف آوایی، ساخت واژی و نحوی تحلیل شد. پژوهشگران خارجی توصیف ویژگی‌های جنس دستوری اسفروینی و توصیف ویژگی‌های این زبان در کتاب گویش‌های تاتی جنوبی به دست داد که شامل بررسی ویژگی‌های واجی، صرفی و نحوی این گویش است.

در پاسخ به دو پرسش مطرح شده یعنی کدام ویژگی نظام آوایی پذیرفتنی‌تر و بازتاب دهنده واقعیتی است که در ذهن گویشوران گویش تاتی شال در جریان است و اینکه اسم‌ها، صفت‌ها، فعل‌ها در گویش تاتی شال به چه نحوی خود را نشان می‌دهد، می‌توان با توجه به نتایج به دست آمده در نظام آوایی گویش تاتی شال چنین بیان کرد که ابدال مصوت‌ها، هماهنگی واکه، حذف، درج، قلب (جابه جایی)، جایگزینی، همگونی همخوان با همخوان و واکه با واکه دیده شده است و در پاسخ به سوال دوم این نتیجه حاصل شده است که اسم‌ها با درج پایانی [ah]، صفت‌ها با درج پایانی [a] و فعل‌ها با درج پایانی [e] دیده شده است.

## منابع

- اکبرزاده، هادی؛ کنعانی، ابراهیم و محمدرضا عبدی (۱۳۸۹). بررسی واژه‌هایی از گویش تاتی مردم سنخواست و جاجرمد در آثار عطار، سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان.
- ثمره، یدالله (۱۳۶۴)، آواشناسی زبان فارسی: آواها و ساخت آوایی هجا، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حسینی زنجانی‌نژاد، حامد (۱۳۸۹). بررسی ساخت فعل در گویش اشتهاردی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۶). رده شناسی زبان‌های ایرانی، تهران: انتشارات سمت.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۶). زبان شناسی نظری، پیدایش و تکوین دستور زایشی، تهران: انتشارات سمت.
- رحمانی، ایرج (۱۳۸۰). بررسی ساختمان فعل در گویش تاتی تاکستان و منطقه بوئین‌زهرا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- سبزعلی‌پور، جهان‌دوست (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی خلخال، تالشی و گیلکی،

پایان نامه دکترا، دانشگاه گیلان.

صفرزاده، حبیب (۱۳۸۶). «گویش تاتی شمال خراسان و کاربرد آن در تصحیح و شرح متون ادب فارسی». *جستارهای نوین ادبی*، ۴: ۶۹-۹۰.

طاهری، عباس (۱۳۷۰). *دستور زبان تاتی تاکستانی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی. کارنگ، عبدالعلی (۱۳۳۳). *تاتی و هرزنی، دو لهجه از زبان باستان آذربایجان*، تبریز: اسماعیل واعظ پور، چاپ شفق.

مارکوات، یوزف (۱۳۷۳). *ایران شهر*، ترجمه دکتر مریم میراحمدی، تهران: انتشارات اطلاعات.

مرتضوی، منوچهر (۱۳۴۲). *فعل در زبان هرزنی*، تبریز: انتشارات دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز.

مشکوه الدینی، مهدی (۱۳۷۴). *ساخت آوایی زبان*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

نوروززاده، شیوا سادات (۱۳۸۹). «بررسی گویش تاتی روین واقع در شهرستان اسفراین و کاربرد آن در تصحیح و شرح متون ادبی فارسی»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران*، سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان، ص ۲۰۹۹-۲۱۳۱.

یول، جورج (۱۳۷۷). *نگاهی به زبان یک بررسی زبان شناختی*، ترجمه نسرین، حیدری، تهران: انتشارات سمت.

یحیی‌زاده، سید اکبر (۱۳۸۲). *بررسی زبان شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

Fischer, J. (1958). "Social Influences on the Choice of a Linguistic Variant". *Word* 14: 47-56.

Hawkins, J. A (2001). *Efficiency and Complexity in Grammars: Three General Principles*. In Moore, J. and M. Polinsky (Ed.), *The Nature of Exp; anation in Linguistic Theory*, CSLI Publishing Company, 121-152.

Henning, W. B (1954). *The Ancient Language of Azerbaijan*. In *Transactions of the Philological Society*, 157-177

Kazemi, F (2020). The Verb "ha" in Laki Language from the Perspective of the Head-Complement Parameter", *A Typological Approach, Theory and Practice in Language Studies*, 10, (9): 1060-1065.

McDavid, R. (1948). "Postvocalic /-r/ in South Carolina: A Social Analysis", *American speech* 23, (3-4): 194-203.

Sapir, E. (1925). "Sound Patterns in Language", 1, (2): 37-51.

Stilo, D. L (1981). "The Tati Language Group in the Sociolinguistic Context of Northwest Iran and Transcaucasia". *Iranian Studies*, XIV, 137-187.

Yazdani, F. and F. Kazemi (2019). "Investigating Assimilation and

Metathesis Processes in Mazandarani Language, Marzoun Kola Variety”, International Journal of Advanced Research (IJAR), Volume 7, (8): 806-812.

Yarshater, E (1969). *A Grammar of Southern Tati Dialects*, Median Dialect Studies. The Hague: Mouton

سازمان

---



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی